



Jurisprudential analysis of security as a condition for achieving the ability of Hajj in contemporary jurisprudence

Mehdi Sanati¹, MohammadAli Heidari^{2*}, Ehsan Ali Akbari³

1. Ph.D Student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.
2. Assistant Professor Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.
3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. Member of the Faculty of Education, Ahl al-Bayt, Isfahan University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 505-520

Article history:

Received: 3 Oct 2021

Edition: 3 Nov 2021

Accepted: 29 Dec 2021

Published online: 16 Mar 2022

Keywords:

Hajj, Estetaat of Hajj, Comparable Jurisprudence, Security

Corresponding Author:

MohammadAli Heidari

Address:

Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-9605-0579

Tel:

031-42292929

Email:

ma1.heidari@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The priority and delay of security in achieving the ability of Hajj is one of the important issues for jurists and Islamic scholars, which in this study is addressed from the perspective of contemporary jurisprudence.

Materials and Methods: In the present study, a descriptive-analytical method and citing Imami and Sunni jurists were used to investigate the issue.

Ethical considerations: In conducting the present study, the principles of fidelity and honesty have been observed.

Results: If the security of the pilgrim is not provided during the birth and the performance of the Hajj rituals, it will cause him to be unable to afford it, and as a result, the Hajj will not be obligatory for him. The jurists emphasize that affordability is a condition for the necessity of Hajj and one of its pillars is evacuation, which is the security, life, property and honor.

Conclusion: The multiplicity of narrations that the Ka'bah is not empty of pilgrims shows that it is up to the Islamic ruler to prevent the closure of the Hajj as much as possible. Most of the Hajj closures recorded by historians are based on a lack of security, which is based on an initial ruling. In the Holy Qur'an, God Almighty has made Hajj obligatory for those who can afford it. But he also forbade the destruction of human beings by his own hand.

Cite this article as:

Sanati M, Heidari MA, Ali Akbar E. Jurisprudential analysis of security as a condition for achieving the ability of Hajj in contemporary jurisprudence. *Economic Jurisprudence Studies 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.*



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

تحلیل فقهی امنیت بعنوان شرط تحقق استطاعت حج در فقه مقارن

مهدی صنعتی^۱، محمدعلی حیدری^{۲*}، احسان علی اکبری^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. عضو هیات علمی گروه معارف، اهل بیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تقدم و تأخر امنیت نسبت به تحقق استطاعت حج از جمله موضوعات مهم در نزد فقها و اسلام‌شناسان است که در این پژوهش از منظر فقه مقارن بدان پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها: در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و استناد به فقه‌های امامیه و اهل سنت جهت بررسی موضوع بهره برده شد.

ملاحظات اخلاقی: در انجام تحقیق حاضر، اصول امانتداری و صداقت رعایت شده است.

یافته‌ها: چنانچه امنیت حجاج در زاد و راحله و انجام مناسک حج تأمین نباشد، موجب عدم استطاعت مکلفان خواهد شد و در نتیجه حج برای وی واجب نخواهد بود. فقها تأکید دارند که شرط تحقق استطاعت حج و از ارکان آن، تخلیه‌السرب که همان امنیت جان و مال و آبرو است، می‌باشد.

نتیجه: کثرت روایات مبنی بر عدم خالی ماندن کعبه معظمه از حجاج نشان می‌دهد که بر حاکم اسلامی است که تا آنجا که می‌تواند از تعطیلی حج ممانعت ننمایند. اکثر موارد تعطیلی حج که مورخان ثبت نموده‌اند، مبنی بر نبود امنیت می‌باشد که بر مبنای حکم اولیه است. خداوند متعال در قرآن کریم حج را بر کسانی که استطاعت دارند واجب نموده است. اما از به هلاکت انداختن انسان‌ها به دست خویش نیز نهی فرموده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۰۵-۵۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

واژگان کلیدی:

حج، استطاعت حج، فقه مقارن، امنیت.

نویسنده مسوول:

محمدعلی حیدری

آدرس پستی:

ایران، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

کد ارکید:

0000-0001-9605-0579

پست الکترونیک:

ma1.heidari@yahoo.com

۱. مقدمه

نظام حج مجموعه‌ای است که از اجزاء به هم وابسته که به علت وابستگی حاکم بر اجزاء، کلیت واحدی را احراز می‌کنند و در جهت تحقق هدف‌های معینی با یکدیگر در تعامل‌اند. آنچه اجزاء این نظام را مستحکم می‌کند یک نظام مدیریتی صحیح است که با نظارت بهینه، این اجزاء درهم تنیده را استوار نگه دارد. نظام مدیریتی در حج ارتباط وثیقی با امنیت دارد. بدین معنا که برقراری امنیت برای افرادی که خواهان رفتن به حج هستند، بسیار مهم است. به حکم عقل و سیره عقلا، هر اجتماعی نیاز به یک سیستم نظارتی و امنیتی قوی است تا آن اجتماع را انتظام بخشد و شرایط مختلف افراد را برای دستیابی به اهداف خود مهیا سازد. بدون شک در اجتماعی چون کنگره عظیم حج، اگر مدیریت حاکم و مصلحی حاکم نباشد و امنیت کافی برای زائران تعبیه نشده باشد و یا اینکه کشورهای مختلف بدون در نظر گرفتن ملاحظات فردی، اجتماعی و سیاسی، افراد را رهسپار خانه خدا کنند، سایر حقوق انسانی از جمله حق بر سلامتی، حق بر امنیت و کرامت آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنان که بدون وجود امنیت، این تجمع عبادی-سیاسی به سامان نمی‌رسد.

با بررسی در معارف و منابع دینی این نکته به وضوح روشن می‌شود که برقراری امنیت در موضوع حج و به تعبیر روشن‌تر جهت استطاعت حج از منظر فقه‌های امامیه و علمای اهل سنت مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. با تتبع و تفحص در قرآن کریم به این نکته می‌رسیم که قرآن برای برقراری

امنیت، شرایط ایمن و لازم برای عزیمت به خانه خدا و انجام این عبادت مهم و حیاتی خصیصه‌هایی بیان کرده است. فقها و اسلام‌شناسان نیز با بررسی متون دینی و روایات، از منظر فقهی، نقش امنیت را جهت استطاعت عمل حج مورد توجه قرار داده‌اند. این موضوع در سطح کلان به مدیریت حج هم از سوی کشورهایی که مؤمنان و خداجویان را راهی خانه خدا می‌کنند و هم از سوی کشور میزبان مورد عنایت قرار می‌دهد. به طور کلی، بحث مدیریت حج و امنیت آن جهت استطاعت حج، در معارف دینی از دو منظر مطرح است. اول از نظر قرآن و روایات و احکام فقهی آن که مدیریت به صورت کلی مطرح شده و شاخصه‌های یک مدیر کارآمد بیان گردیده است. دوم از جهت تاریخی که همیشه در ادوار گذشته در موسم حج امرا و مدیرانی مراسم حج را اداره کرده‌اند.

سؤالی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی آن است اینکه نگرش مخالفان و موافقان در فقه مقارن یعنی اهل سنت و فقه‌های امامیه نسبت به نقش امنیت و اثر آن بر تحقق استطاعت حج شامل چه مواردی است؟ فرضیه این است: شرط تحقق استطاعت امنیت جانی، مالی و آبرو است که از آن تحت عنوان تخلیه‌السرب نیز یاد می‌شود و در صورت عدم برقراری امنیت حج، وجوبی در کار نخواهد بود. آنچه پژوهش حاضر به عنوان نوآوری و تمایز از سایر پژوهش‌های مطرح می‌کند، بررسی ادله فقهی در نزد فقه‌های شیعه و اهل سنت است که می‌تواند منجر به تبیین این موضوع شود که در چه شرایطی انجام مناسک حج بر مسلمانان واجب است. و اینکه

شرایط مطلوب برای انجام عمل حج کدام هستند. ضمن اینکه در اثنای مباحث، وظیفه‌ای برای دولت‌های اسلامی و دولت میزبان (عربستان سعودی) و همچنین همکاری میان آنان ایجاد می‌کند که بتوانند نسبت به تأمین امنیت حجاج اعم از مسیر رفتن به حج و در هنگام انجام مناسک حج، حساس باشند. به این دلیل که عدم تأمین شرایط حج‌گذاری و از جمله در صورت عدم تأمین امنیت حجاج در سرزمین وحی، حج واجب نخواهد بود. به نظر می‌رسد دیدگاه‌های متعددی که در این زمینه مطرح شده است، اول اینکه بر استطاعت حج در هر شرایطی حتی در شرایط به خطر افتادن جان مؤمن است و دوم اینکه، برقراری امنیت جانی، مالی، فردی و اجتماعی به عنوان پیش‌فرض اساسی جهت استطاعت عمل حج وجود دارد.

در ارتباط با موضوع حاضر، تحقیقاتی انجام شده است. از جمله در تحقیق: ساجدی (۱۳۹۸)، با عنوان نقش امنیت در تحقق استطاعت و وجوب حج چنین نتیجه گرفته شد که جهت پرداختن وجه و هزینه برای دولت عربستان به عنوان متولی امنیت، هرچند نباید از حجاج وجهی دریافت شود، اما برای تأمین مصالح مسلمین، دولت اسلامی می‌تواند از بیت‌المال، وجوهی به دولت میزبان پرداخت کند. میراحمدی و مدرسی‌راد (۱۳۹۷) در مقاله تحلیل دیدگاه فقهای امامیه پیرامون استطاعت طریقی و امنیت در حج چنین نتیجه گرفتند که باز بودن راه حج، امنیت آن و مصون ماندن جان و مال و آبروی شخص مسلمان یکی از مصادیق استطاعتی است که شرط وجوب حج

است. در مقاله شافعی‌پور (۱۳۹۷) با عنوان مطالعه تطبیقی حج نیروهای امنیتی و انتظامی مستقر در حج از منظر فقه مذاهب خمس، چنین نتیجه گرفت که از نظر فقه مذاهب پنج‌گانه، مأموران برقراری نظم و امنیت در عین انجام وظیفه می‌توانند اعمال حج را نیز بجا بیاورند و با لباس مخصوص خود نیز این عمل را انجام دهند. مهدویانپور (۱۳۹۵)، نیز در اثری با عنوان بررسی حکم استطاعت در حج از منظر مذاهب فقهی (با تأکید بر مهمترین مصادیق)، به این نتیجه رسید که وجوب حج و خالی نماندن خانه خدا از حجاج، بررسی حکم استطاعت و شناخت مصادیق آن امری مهم و شایسته است.

با عنایت به تحقیقات صورت گرفته، در این تحقیق هدف، شناخت جایگاه امنیت بعنوان شرط تحقق استطاعت حج در فقه مقارن با استفاده از روش توصیفی و تحلیل گزاره‌های فقه اسلامی با داده کتابخانه‌ای و به شیوه تطبیقی انجام شده است.

۲. مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و استناد به فقهای امامیه و اهل سنت جهت بررسی موضوع بهره برده شد.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تحقیق حاضر اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی دقیق، علمی و همراه با بیان دیدگاه‌های مختلفی فقهی مورد توجه قرار گرفته است و اصول امانتداری و صداقت نیز رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

آنچه مربوط به نتایج ما در این پژوهش است، حوادث موجود در راه رفت و برگشت در مناسک حج است که همین مورد چهارم استطاعت است که همان استطاعت سربی با عنوان فقهی (تخلیه‌السرب) است همچنان که کتب فقهی تشریح کرده‌اند، تخلیه‌السرب به معنای وجود امنیت (جان، مال، آبرو) در سفر حج اعم از امنیت در مسیر رفت و برگشت و هنگام انجام اعمال است و طبق فتوای فقها حتی در صورت امکان ایجاد امنیت به واسطه قتال پیش از انجام اعمال، حج واجب نبوده و اگر فرد در چنین شرایطی اقدام به انجام اعمال حج تمتع نماید، ذمه‌ی او همچنان مشغول است و این حج از حجه‌الاسلام او کفایت نمی‌کند. بر این اساس هر زمان که به دلایلی امنیت حجاج قابل تحصیل نباشد و انجام حج برای حجاج همراه با خطر باشد حکم حکومتی و علمای اسلام می‌توانند، حج را تحریم نموده و حکم به تعطیلی حج تا زمان تحصیل امنیت نمایند. هرچند این حکم، حکم حکومتی می‌باشد اما مبتنی بر نبود شرط وجوب حج است. بنابراین در دایره احکام اولیه قرار می‌گیرد. اکثر موارد تعطیلی حج که مورخان ثبت نموده‌اند نیز مبتنی بر نبود امنیت می‌باشد که بر مبنای همین حکم اولیه است. موضوع مهمی که در اینجا مطرح است اینکه که اگر مسلمانان به دلیل ناامن بودن مسیر یا حرم یا نزاعات سیاسی و مذهبی یا حتی بسته شدن مسجدالحرام و مانند آن نتوانند به حج مشرف شوند، آیا حاکم اسلامی در قبال ایشان وظیفه‌ای

دارد. در جواب باید گفت از آنجا که در احادیث مذکور، تعبیری همچون «ان لم یکن لهم اموال» و «ان یجبرهم علی ذلک» آمده، پس وظیفه حاکم اسلامی تنها شامل کسانی است که استطاعت مالی ندارند یا از روی سرکشی و طغیان به حج مشرف نمی‌شوند؛ بنابراین استناد به ادله بالا برای اثبات وظیفه حاکم در قبال ناامنی راه مخدوش است.

۵. بحث

حج از مهمترین احکام عبادی و از فروع دین و نیز یکی از ارکان اسلام است. شرط مهم وجوب حج به نظر همه‌ی مذاهب اسلامی به استناد آیه‌ی ۹۷ سوره آل عمران استطاعت است. در میان موضوعات و مسائل حج، استطاعت در حج از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نظر به وجوب حج و شناخت مصادیق آن بر مکلفان از دیدگاه مذاهب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. وجوب حج منوط به حصول چهار نوع استطاعت است که در ادامه مباحث به بررسی آن خواهیم پرداخت. پس از تبیین مفهوم استطاعت و مفهوم امنیت به دیدگاه‌های علمای امامیه و اهل سنت و بیان ادله هر یک خواهیم پرداخت. چنانچه در تاریخ ذکر شده است عوامل زیادی باعث تعطیلی مناسک حج شده است. از جمله: بسته بودن راه، اختلافات سیاسی و دینی بین حکام، وجود امراض خطرناک برای زائران، نبود امکانات و زیرساخت‌های لازم برای انجام فریضه حج می‌باشد. در اینجا به نسبت سنجی و ارتباط امنیت و استطاعت حج از منظر تاریخی و سپس دوران حاضر پرداخته می‌شود.

۵-۱. اهمیت حج و امنیت آن از منظر فقه‌های

اسلامی

حج به عنوان یکی از اعمال عبادی و مهم در دین اسلام از دیرباز مورد توجه پیامبر گرامی اسلام (ص)، ائمه و اصحاب بوده است. علاوه بر تأکیدات گسترده‌ای که درباره بجا آوردن عمل حج در قرآن شده است، روایات و احادیث گسترده‌ای درباره مهم بودن این عمل، نحوه انجام آن و بجا آوردن اعمال و مناسک حج مطرح شده است. در روایتی از پیامبر (ص) چنین رسیده است: «الخامسه الحج و هی الشریعه» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱، ۲۶). نبی مکرم اسلام (ص) در ضمن بیان علل فرائض الهی، درباره علت وجوب حج فرمود: حج معادل همه شریعت است یک مدل کوچک از اسلام بزرگ است. از این منظر، گویا خداوند اراده کرده که اسلام با همه ابعاد در یک عبادت جمع کند تا حاجی یکباره کل اسلام را بطور خلاصه تجربه نماید. علی (ع) در سخن دیگری حج را عامل تقویت دین دانسته است و فرموده‌اند: فرض الله.. و الحج تقویه للدين (صبحی، ۱۴۱۴، ۲۴۴). امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: حج باعث تقویت دین می‌شود و به خاطر همین تقویت، واجب و لازم شمرده شده است به طوری که اگر حج تشریع نمی‌شد اصل دین رو به سردی می‌گرائید چنان‌که امام صادق (ع) هم فرمود: لا یزال الدین قائماً ما قامت الکعبه (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۲۷۱؛ حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱۱، ۲۱) و نه تنها بقاء دین در گرو حج و کعبه است، بلکه بقاء مسلمین هم در گرو حج است. همچنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) ترک و دوری از حج را با هلاکت انسانی یکی

دانسته‌اند، در این باره فرمودند: لا تترکوا حج بیت ربکم فتهلکوا (مجلسی، ۱۳۸۶، ۹۶، ۱۹). این مضامین در جوامع روایی عامه هم نقل شده است چنان‌که جابر بن عبدالله از رسول خدا نقل می‌کند که هذا البیت دعاه الاسلام (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲، ۵۳ و ۳، ۲۰۲). ظاهراً این روایات در راستای همان آیه مبارکه سوره مائده است که فرمود: «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس» (مائده/۹۷). چه قوام دینی و چه دنیوی؛ چنان‌که امام صادق (ع) در تفسیر قیاماً للناس فرمود: جعلها لدینهم و معایشهم (مجلسی، ۱۳۸۶، ۹۶، ۶۵).

برپا داشتن عمل حج از نظر پیشوایان دینی، باعث رسیدن به سعادت اخروی نیز تعبیر شده است. امام باقر (ع) حج را وسیله شفاعت دانسته است: قال الباقر (ع): الحاج و المعتمر و فدا الله ان سألوه اعطاهم و ان دعوه اجابهم و ان شفعو شفعمهم (ابن رازی، ۱۳۸۷، ۱۰، ۲۵۳ و ۱۶۳) و همچنین پیامبر (ص) نیز برای این نکته فرموده‌اند: الحاج و المعتمر و فدا الله عزوجل... و ان شفعو شفعو (غزالی، ۱۳۹۰، ۱، ۲۸۷). بنابراین اهمیت حج و بجا آوردن آن و همچنین انجام صحیح آن بر کسی پوشیده نیست. هنگامی که عملی چنین مورد توصیه و سفارش قرار می‌گیرد، برقراری امنیت و ایجاد بستر لازم برای بجا آوردن آن از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. بدین ترتیب پرداختن به مسأله امنیت از منظر فقهی جهت استطاعت حج امری ضروری است.

۵-۲. تاریخچه مدیریت و امنیت جهت

استطاعت حج

با ظهور اسلام، حج اهمیتی ویژه یافت و ابعاد گوناگون سیاسی - اجتماعی آن در دوره‌های بعد، موجب پدید آمدن منصب امارت و مدیریت حج شد. این مباحث که حتی گاهی به نزاع‌های سیاسی نیز بدل می‌شد، در نحوه مدیریت حج و برقراری امنیت برای آن بوده است. هرچند که موضوعات دیگری نیز اهمیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی حج نیز بر این مسأله اثرگذار بوده است. چنان‌که فضل بن سهل، وزیر مامون، حمایت عباس بن موسی عباسی از مامون را در ستیز میان امین و مامون در ازای واگذاری مدیریت حج و حکومت مصر به دست آورد و او امارت و مدیریت حج را بالاترین شرف و افتخار دانست. (تبریزیان، ۱۳۸۷، ۶۴؛ کریمی واقف، ۱۳۹۵، ۱۱، ۵۹۷-۵۹۲). حتی روایت شده است که برخی خلیفه‌زادگان خواهان دستیابی به این منصب بودند؛ چنان‌که خواسته یزید از پدرش معاویه، منصب مدیریت و امارت حج بود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ۹، ۱۶۰؛ الذهبی، ۱۴۰۹، ۷، ۲۶۱).

با توجه به ماهیت وظایف امیرالحاج و وضعیت سیاسی - اجتماعی دوران‌های گوناگون، مقام مدیریت حج از ویژگی‌های مختلف برخوردار شد. در دوره پیامبر گرامی (ص) و خلفای نخستین، آشنایی با مناسک حج و شخصیت علمی و معنوی امیرالحاج بیش از شرایط دیگر قابل توجه بوده است. به طوری که رسول خدا و خلفا در برهه‌هایی این مقام را عهده‌دار بودند. اما از زمان بنی امیه به

بعد، امیرالحجاج و یا همان کسی که مسوولیت امور سیاسی و امنیتی حج را بر عهده داشت، به دربار خلفا و نیز نفوذ سیاسی و نظامی وابسته شد. به مرور زمان و از دوران عباسیان با توجه به گسترش حجم کاروان‌های حج و رواج باج‌گیری اعراب بدوی در مسیر حج و دیگر راهزنان، همراهی نیروی نظامی برای دفع حملات عشایر عرب و راهزنان، از بایسته‌های کار امیرالحاج گشت و به همین دلیل، در دوره‌های پسین، بیشتر امیرالحاج‌ها از کارگزاران نظامی بودند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۴، ۳۱). زیرا مسأله امنیت و برقراری آن برای زائرانی که به خانه خدا می‌آمدند، از اهمیت خاصی برخوردار بود. اینان برای جبران آگاهی اندک خود از مناسک حج، از مشورت و همراهی فقیهان برخوردار می‌شدند؛ چنان‌که عبدالصمد بن علی عباسی که از سوی منصور و هارون عباسی سال‌ها به مدیریت و امارت حج منصوب شده بود، از فقیهانی چون اوزاعی و سفیان ثوری برای نگارش کتابی درباره مناسک حج یاری خواست (مسعودی، ۱۳۸۸، ۴، ۳۰۱). علاوه بر این در دوره‌های مختلف تاریخی، به دلیل نبود امنیت کافی، عمل حج به تعطیلی کشیده شد. شواهد تاریخی گویای آن است که در برخی دوره‌ها، گاه بر اثر شورش‌هایی که در مکه رخ می‌داد و یا به سبب ناامنی راه‌ها، حج متوقف می‌گشت و امیرالحاج تعیین نمی‌شد؛ چنان‌که به سال ۲۵۱ ق. به دلیل شورش اسماعیل بن یوسف علوی در مکه (خلیلی، ۱۴۰۷، ۲، ۵۲۲) و نیز در سال‌های ۳۱۳ تا ۳۲۷ ق. به جهت شورش قرمطیان چنین شد

۵-۳. اهمیت امنیت حج از نظر قرآن

کعبه محل امن و مرکز امنیت است. این مسأله در آیه شریفه چنین بیان شده است: «و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و اماناً» (بقره/۱۲۵). واژه اماناً مصدر و منظور محل امن است. تعبیر از اسم مکان به صورت مصدر جهت مبالغه است. خانه کعبه به همین مناسبت خانه امن نامیده می‌شود که کسانی که این خانه را زیارت کنند از عذاب الهی در امان هستند. به علاوه خداوند مقرر فرموده کسی که به این خانه پناهنده شود تا هنگامی که در آنجاست جان و مال او ایمن باشد و هرگز ترس به خود راه ندهد و مردم به جهت عظمت و احترامی که برای این خانه قائل هستند به کسی که خود را در پناه آن قرار دهد معترض نمی‌شوند به واسطه رعایت همین احترام در اسلام مقرر شده که قانون کیفری اسلام در مورد شخصی که بیرون از کعبه جنایتی مرتکب شده و به این حرم پناهنده می‌شود اجراء نگردد.

امنیت خانه کعبه تا آنجاست که حتی حیوانات در خانه خدا امنیت کامل دارند و از هرگونه آزاری مصون می‌باشند «و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و اماناً» قید کلمه «مثابة» در آیه مذکور به وسیله مقید ساختن «امناً» به آن قید گویای این نکته است که امنیت مکه باید برای هر ذی روحی چه انسان و چه غیرانسان تأمین شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ۱، ۳۹۶). از طرفی، کعبه این حرم امن الهی از نظر بین‌المللی نیز منطقه امن محسوب می‌شود. در آیه ۹۷ سوره آل عمران به صورت عام و مطلق چنین آمده: «من دخله کان

(حضرای، بی تا ۱۱۵، در سال‌های ۴۰۷، ۴۱۰-۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۶ و ۴۵۵).

به سبب تأخیر حاجیان خراسانی در رسیدن به حاجیان عراقی، آنان از اعمال حج بازماندند. همچنین به دلیل ناامنی راه‌ها و یورش‌های اعرابی که در مسیر حج قرار داشتند، از قلمرو شرق جهان اسلام، حج‌های منظم صورت نگرفت (خلیلی، ۱۴۰۷، ۲، ۵۲۱-۵۲). این رویه در دوره‌های بعدی نیز به انحاء دیگری دنبال شد و به سال ۵۱۴ ق. نیز به جهت منع افضل بن‌امیر الجیوش، کسی توفیق گزاردن حج را نیافت (الذهبی، ۱۴۰۹، ۲، ۱۸۳). بیان مصادیق متعدد ناامنی در دوره‌های مختلف تاریخ سیاسی مسلمانان از مجال بحث حاضر خارج است. اما در دوران معاصر که مدیریت و اداره امور حج به کشور عربستان واگذار شد، هریک از کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا با اتخاذ رویکرد خاص خود امنیت حجاج را تأمین نماید. بدین ترتیب پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با توجه به نگرش همه‌جانبه امام خمینی به حج، مدیریت و امارت حج مفهوم حقیقی خود را بازیافت. وی وظایفی را به نمایندگان خویش در حج محول کرد که عبارتند از: (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ۳۷، ۸۴-۷۶). در هر صورت بیان و تحلیل فقهی امنیت به عنوان شرط تحقق استطاعت حج نقش مهمی در انجام این فریضه مهم الهی و انسانی دارد و در فقه مقارن یعنی دیدگاه فقه‌های مختلف اسلامی نیز به بحث گذاشته شده است.

أَمْنًا» و یا همین آیه ۱۲۵ اخیرالذکر در سوره بقره که توضیح آن گذشت می‌توان گفت سرزمین کعبه یک مرکز امن بین‌المللی است و به عنوان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی در قرآن به شمار رفته است. بدین ترتیب از جمله شرایط مهم تولیت خانه خدا، توانایی در اداره امور امنیتی است. بر این اساس، خانه کعبه دو نوع امنیت دارد؛ امنیت تکوینی و امنیت تشریعی. برای پی بردن به اهمیت امنیت به این دو نوع از امنیت اشاره می‌شود. در ابتدا باید گفت که امنیت تکوینی آن را خداوند به شاهد (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ) (قریش/۴) از پیش قرار داده و این مکان را مأمن ساخته است. امنیت تشریعی نیز، بعد دیگری از امنیت در حج است که بر عهده متولیان حج است و در واقع تنها کسی شرایط تولیت را خواهد داشت که در برابر ذره‌ای خدشه به امنیت تشریعی پاسخگو باشد.

خداوند با بیان (وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا) (بقره/۱۲۵) ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا را واجب شمرده است. همچنین براساس آیه شریفه (مَنْ دَخَلَهُ كَانَ أَمْنًا) (عمران/۹۷) کسی که وارد حریم کعبه شد، شرعاً در امان است. حتی این آیه، حفظ امنیت حیوانات در حرم را نیز خواستار شده و هرگونه آزار آن‌ها را حرام می‌شمارد؛ زیرا مراد از (وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ أَمْنًا)، شامل وحوش و پرندگان و مانند آن نیز می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۲۲۶). با توجه به اطلاق آیات مذکور، برقراری امنیت امری فراگیر است و علاوه بر اینکه انسان‌ها و جانوران را شامل می‌شود،

می‌توان ابعاد گوناگون امنیت؛ از جمله امنیت جانی، مالی و عرضی را به این آیات مستند کرد. از این‌رو، اساساً شکستن امنیت در حریم کعبه حرام است و متولیان در صورتی که توانایی برقراری امنیت را نداشته باشند و یا خود در جهت شکستن این امنیت تلاش کنند، در واقع صلاحیت خود را از دست داده‌اند و در صورت مداومت و پافشاری در ابقا، براساس بیان قرآن کریم کار حرام انجام داده‌اند.

۵-۳-۱. انواع استطاعت حج از منظر فقهی

اسلامی

در یک نگاه کلی باید گفت که وجوب حج منوط به حصول چهار نوع از استطاعت می‌باشد:

۱- استطاعت مالی: به معنای وجود توان مالی برای تأمین احتیاجات سفر، هزینه وسیله مسافرت، نفقه خانواده و مال کافی برای زندگی پس از رجوع.

۲- استطاعت بدنی: به معنای اینکه توانایی بدنی برای مسافرت و انجام مناسک حج را داشته باشد و این سفر برای او مضر نباشد.

۳- استطاعت زمانی: بدین معناست که مدت زمان لازم برای انجام سفر و بجا آوردن مناسک را داشته باشد.

۴- استطاعت سربیه: به معنای وجود امنیت (جان، مال و آبرو) در سفر حج اعم از امنیت در مسیر رفت و برگشت و هنگام انجام اعمال است (حر عاملی، ۱۳۸۶).

سه مورد اول که درباره استطاعت بیان شد، صرفاً جنبه فردی دارد و شخص مکلف در صورت قطع

به حصول، شرایط لازم، موظف به انجام حج می‌باشد. اما استطاعت حج زمانی قابل انجام است که امنیت کافی و لازم برای رفتن به حج فراهم باشد، در غیر این صورت شرایط دیگری برای بجا آوردن و یا نیاوردن این عمل صورت می‌گیرد. خداوند متعال در قرآن هرچند حج را واجب نموده ولیکن از به هلاکت انداختن انسان‌ها نیز نهی فرموده است. از جمله در آیه شریفه بیان شده است: «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» «خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید» (بقره/ ۱۹۵). برمبنای همین آیه و سایر تأکیداتی که درباره حرمت نفس انسانی بیان شده است، فقها تأکید دارند استطاعت شرط وجوب حج و از ارکان آن تخلیه السرب است. و همچنین برای زنان همراه داشتن محرم در مناسک حج در مذاهب خمسہ نظرات مختلفی جهت وجوب حج یا عدم وجوب حج بیان شده است که در این رساله به این نظرات با ادله آنها پرداخته خواهد شد. و همچنین در این رساله نگارنده به مسائلی همچون باز بودن راه از سوی حکام خواهد پرداخت و مسائلی را بیان خواهد نمود که شخص در زمان باز بودن راه مستطیع است و هنگام عزیمت به حج راه بسته است و حالات و ابعاد گوناگون این مسئله را بیان خواهد نمود.

از دیگر مسائل بسیار مهم حج در بحث امنیت حجاج، امراضی هستند که می‌توانند امنیت حجاج را به خطر اندازند و چه بسا بیماری‌های گوناگونی که تاکنون جان هزاران حاج را به مخاطره انداخته است.

آنچه در این میان حائز اهمیت است عدم تعارض بین به خطر نیفتادن جان انسان و به جا آوردن عمل حج است. فقهای امامیه با تمسک به آیه ۹۷ سوره آل عمران بیان می‌دارند که استطاعت سبیلیه در آیه مزبور به باز بودن راه و امنیت آن صدق می‌کند. در این باره، خوف عدم امنیت هم کافی است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۱، ۳۸۰). بنابراین حتی مقدار اندکی از خوف برای انجام عمل حج نیز کفایت می‌کند تا از استطاعت آن و واجب بودن حج برای فرد جلوگیری شود. به عبارتی دیگر، عذر نرفتن به حج در صورت وجود ناامنی پذیرفته شده است.

۵-۳-۲. ماهیت وجوب حج و نقش استطاعت

طریقی در آن

خداوند تبارک و تعالی حج را بر بندگان خود به سبب مصالحی که برای آنان دارد، واجب کرد، آنجا که می‌فرماید: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» «در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هرکس داخل آن (خانه خدا) شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند. و هرکس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است». به باور مشهور فقهای امامیه (نجفی ۱۴۱۷، ۱۷؛ نراقی، ۱۴۱۷، ۱۱، ۲۴ و ۲۵) و بسیاری از فقیهان اهل سنت (ابن قدامه، ۱۴۰۴،

۳، ۱۷۳-۱۶۹؛ شافعی خطیب، ۱۴۱۵، ۷، ۷۱-۶۳) استطاعت طریقی با حدود و شرایط خاص، شرط وجوب حجه الاسلام بر مکلفان است. کسی که این شرط را به همراه استطاعت مالی و بدنی داشته باشد، در اصطلاح «مستطیع» نامیده می‌شود. از پشوانه‌های این حکم، آیه بالا است که مسلمانان را در صورت استطاعت، به حج گزاردن مکلف کرده است. احادیث مقصود از استطاعت در این آیه را استطاعت شرعی بیان کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۲۶۷) و یکی از موارد استطاعت، استطاعت طریقی است.

البته برخی از حنبلیان، استطاعت طریقی را شرط ادای واجب و نه شرط وجوب حج دانسته‌اند. بنابراین نظریه، حج واجب شده است؛ منتها شرط ادای حج، استطاعت طریقی است؛ یعنی کسی که استطاعت طریقی ندارد، باید حج واجب شده را در سال‌های بعد که استطاعت طریقی دارد، قضا کند. مرداوی آن را یکی از آرای احمد بن حنبل (ابن حنبل، ۱۴۰۴، ۳، ۴۰۸) می‌داند. با توجه به دیدگاه‌های فقهای مذکور، بر حاکم اسلامی واجب است که عده‌ای را اجباراً به حج بفرستد تا حج تعطیل نشود و بنابر مفاد روایت مذکور اگر مسلمان توان مالی نداشته باشد از بیت‌المال وجوهی برای این امر اختصاص می‌یابد. اما این رویه در صورتی است که امنیت جانی مسلمانان در راه حج تأمین شده باشد.

یکی از اهداف وجوب حج آن است که کعبه معظم از حجاج خالی نماند. از طرف دیگر حاکم جامعه اسلامی موظف است شرایطی برای مسلمانان فراهم

کند تا آنان بتوانند اهدافی را که شارع مقدس از آنان طلب کرده به دست آورند؛ بنابراین اگر زائر و حاجی به مقدار تحقق مذکور وجود داشته باشد - چنان‌که امروزه وجود دارد- حاکم اسلامی در تحقق این هدف مسئولیتی ندارد؛ اما اگر چنین نباشد، بر ولی امر مسلمانان واجب است گروهی را به حج بفرستد، هر چند که از بیت‌المال در این مقصود هزینه کند تا اقتضای ولایت بر مسلمانان که همان فراهم کردن شرایط برای بندگان جهت کسب اهداف شارع است، محقق شود. پس با توجه به برخی احادیث گزارش شده از اهل بیت (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۲۷۰) مشخص می‌شود خالی شدن کعبه از حاجیان و زائران، مغبوض شارع مقدس است و مطلوب واجب او خالی نشدن آن مکان معظم از حجاج است و دیگر تفاوتی ندارد که به چه دلیل کعبه تعطیل شده است، به دلیل ناامنی راه، ناامنی حرم، نزاعات سیاسی و مذهبی و غیره. از آنجا که ولایت امر بر امت اسلامی جعل شده تا اهداف و مصالح احکام شارع برای مسلمانان تحقق یابد و آنان بتوانند آن را کسب کنند، اگر بیت الله الحرام خالی از زائر و حاجی شود، وظیفه حاکم اسلامی آن است که این هدف تأکید یافته را با فرستادن عده‌ای از مسلمانان به آنجا و ادای حج محقق سازد، هر چند از بیت‌المال در این راه هزینه کند (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین در وهله اول، خالی نبودن حج از مسلمانان به عنوان وظیفه‌ای برای حاکم اسلامی در نظر گرفته شده است. بدین معنا که تحقق شرایط مطلوب برای مسلمانان تا جایی که شرایط و امکانات اجازه می‌دهد، نوعی وظیفه

برای رهبر جامعه اسلامی ایجاد می‌کند که بتواند نسبت به تأمین خواسته مسلمانان که همانا رفتن به حج است، اقدام نماید. اما موضوع تنها به خواسته مسلمانان و انجام وظایف حاکم اسلامی ختم نمی‌شود، بلکه در عمل، گاهی شرایطی رخ می‌دهد که می‌تواند مانعی برای انجام عمل حج باشد. از این منظر، پرداختن به موضوعات مرتبط نظیر تأمین امنیت حجاج و فراهم کردن شرایط مناسب مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۵. نقش حاکم اسلامی در رفع ناامنی و

فرستادن مسلمانان به حج

آنچه از تتبع در سخنان فقهای مذهب شیعه به دست می‌آید، این است که اگر مسلمانان حج را ترک کنند، بر حاکم و والی جامعه اسلامی واجب است گروهی را اجباراً به حج بفرستد. شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ۱، ۳۸۵)، ابن ادریس حلی (حلی، ۱۴۱۰، ۱، ۶۴۷) در سخنانی مشابه می‌نویسند: «إذا ترک الناس الحج وجب علی الامام ان یجبرهم علی ذلک: وقتی مردم حج را ترک کنند، بر والی و حاکم اسلامی واجب است که آنها را بر ادای حج اجبار کند».

این فتوا بر پایه گزارش‌هایی از معصومان (ع) است. صاحب وسائل‌الشیعه در ضمن بابی با عنوان «باب عدم جواز تعطیل الکعبه عن الحج» ده روایت در این زمینه مطرح کرده است (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۲۰). در گزارشی معتبر از جعفر بن محمد آمده است: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ وَلَوْ تَرَكَوا زِيَارَةَ

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ». «اگر مردم حج را ترک کنند، بر والی [امت اسلامی] است که آنان را به انجام حج و اقامت در کنار کعبه مجبور کند؛ همچنین اگر زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را کنار بگذارند، بر والی است که آنان را به این کار مجبور کند و اگر مردم اموالی برای این کار نداشتند، از بیت‌المالی مسلمانان برای این کار هزینه کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۲۷۲؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۲، ۴۲۰ و ۲۶۸۱). تعطیل کردن حج به معنای برگزار نشدن حج به سبب مشکلی در مبدأ و راه حج یا حرم الهی است و موجب می‌شود حج از سوی همه یا شماری از مسلمانان تعطیل شود (درگاهی و عندلیبی، ۱۳۹۴، ۵۰). با توجه به احادیث مذکور، بر حاکم اسلامی واجب است که عده‌ای را به صورت اجباری به حج بفرستد تا حج تعطیل نشود، و بنابر مفاد روایت مذکور، اگر مسلمانان توان مالی لازم را برای ادای حج نداشتند، از بیت‌المال وجوهی برای این امر اختصاص می‌یابد.

همچنین در فقه امامیه بر برقراری امنیت کامل جهت استطاعت حج تأکید شده است. بنابراین اگر احتمال داده شود که باعث تلف مال و یا چیز دیگری بشود، اقدام شخص برای عزیمت به حج حرام نیست. بنابر اصول و قواعد عقلیه و اگر بعداً معلوم شد که این خوف بی‌مورد بوده است کشف می‌شود که چنین شخصی مستطیع بوده است (طباطبایی حکیم، ۱۳۸۱، ۱۰، ۱۷۰). سید خویی

در معتمدالعروه درباره این مسئله می‌فرمایند: واجب نیست بر چنین شخصی حج، زمانی که طریق امن نباشد و خوف جان و مال و آبرو داشته باشد. پس از روایات و سیره عقلا چنین برمی‌آید که هر جا خوف و یا حتی احتمال خطر نیز وجود داشته باشد شخص مستطیع نیست و حج بر او واجب نخواهد بود و در مواردی که خطر بسیار زیاد است رفتن به چنین حجتی حرام است و در موارد احتمال نیز نباید به حج برود، زیرا دفع خطر احتمالی براساس قواعد اصولی عقلا واجب است. جهت تقریب به ذهن سید خویی مثال فقهی نیز بیان فرموده‌اند: که اگر شخصی تیمم کند بخاطر خوف از اینکه آب برایش ضرر دارد و نماز خواند و بعداً معلوم شد که آب برایش ضرر نداشته است تیمم و نمازش صحیح است (خویی و موسوی خلخالی، ۱۳۷۸، ۱، ۲۱۴).

امنیت در بُعد دیگر آن به امنیت مالی، پشتوانه مادی و معنوی برای زنان جهت انجام عمل حج و حتی زمان و هزینه لازم برای انجام عمل حج مورد توجه فقها نیز قرار گرفته است. صاحب جواهر می‌فرماید که اگر دو طریق وجود داشته باشد و یکی از طریق منع شده باشد باید به راه دیگر برود چه دور باشد و چه نزدیک. بافرض اینکه نفقه راه و وقت به اندازه کافی جهت انجام اعمال مناسک حج وجود داشته باشد. اما اگر نیاز به هزینه زیاد باشد یا اینکه وقت به اندازه کفایت برای مناسک حج وجود نداشته باشد حج از او ساقط خواهد بود (نجفی، ۱۴۱۷، ۷، ۲۵۳). همچنین در جای دیگری بیان شده است که اگر کسی که بترسد بر جان

خودش و یا بر آبرویش یا بر اموالش از سلطان جائز پس بدرستی که استطاعت سربی ندارد پس حج بر او واجب نخواهد بود (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱، ۲۳). روایت صحیحه معاویه بن عماد که در آن بیان شده است: «سألت ابا عبدالله عن المراه تحج الی مکه بغیر ولی؟» فقال: «لا بأس تخرج مع قوم ثقات» صاحب جواهر در رابطه با این مسئله می‌فرماید: که خلافتی در این مسئله یافت نشده است (نجفی، ۱۴۱۷، ۱۷، ۳۳۰). در ارتباط با تأمین امنیت زنان ابن قدامه در کتاب الفقه المقارن نوشته است که شافعیه قائل است که همراه داشتن محرم یا به همراه آوردن زنان مورد وثوق واجب است و ابو حنیفه در این مسئله گفته است که: همراه داشتن محرم برای زن شرط وجوب حج است و در صورت ناامنی حاج حق ندارد جان و مال و آبروی خود را به خطر اندازد. بر این اساس همچنین زمانی که بیماری‌های واگیردار شیوع پیدا کند و جان حجاج را به مخاطره اندازد و در صورتی که اهل فن آن را خطرناک برای حجاج تشخیص دهند، استطاعت ساقط خواهد شد.

۶. نتیجه

با بررسی آراء و نظرات فقههای مذاهب اسلامی معلوم می‌گردد که اکثراً در صورت عدم امنیت حجاج، چه در سرزمین وحی و چه در زاد و راحله و همچنین وجود بیماری‌های خطرناک، قائل به عدم استطاعت حجاج شده‌اند که در این موارد تحصیل استطاعت واجب نخواهد بود و در رابطه با بسته بودن راه و پرداخت مال به دشمن اصح اقوال

نموده و سپس نسبت به انجام عمل حج اقدام نمایند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش مقاله حاضر حاصل همکاری نویسندگان مقاله و تلاش جمعی بوده است.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

به نظر نگارنده قول محقق در معتبر خواهد بود که ایشان فرموده‌اند، و در صورت بسته بودن راه توسط دشمن، و در صورت حرج زیاد، پرداخت مال، واجب نیست، و چنین شخصی از استطاعت خارج خواهد بود. براساس نظر مشهور فقهای امامیه نائب گرفتن برای کسی است که حج بر او مستقر شده و الان راه بر او بسته شده است و امیدی به باز شدن راه ندارد و یا شخصی که مرضی بر او عارض گردیده است و امیدی به بهبود از مرض ندارد، ولی کسی که در سال‌های گذشته حج بر او مستقر نشده است و الان راه بر او بسته شده، و یا توسط دشمن ناامن گردیده است براساس روایات ذکر شده چنین شخصی نیاز نیست که نائب بگیرد، زیرا او اصلاً مستطیع نخواهد بود. نظرات متفاوتی نیز برای طرق ناامن بیان گردید که نظر اغلب فقهای امامیه آن است که در صورت اینکه چند راه وجود داشته باشد که ناامن است، پس استطاعت طریقی برای چنین شخصی وجود ندارد و اگر راهی باشد که امن است ولی دور می‌باشد باید به راه دورتر برود؛ به شرطی که نفقه راه را داشته باشد و وقت به اندازه کفایت برای انجام مناسک حج وجود داشته باشد. براساس دلایل ذکر شده قول احمد ابن حنبل که حتی در صورت ناامن بودن طریق قائل به وجوب حج شده است مخدوش اعلام می‌گردد. با این حال، اصل اساسی قرآنی که می‌فرماید خودتان را هلاکت نیندازد، فصل الخطاب این موضوع است و بر حاکم اسلامی و عوامل برگزاری حج واجب است که امنیت حجاج را به صورت عینی و واقعی برقرار

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حنبل، احمد، مستند الام حنبل، جلد دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴.
- ابن رازی، جعفر بن احمد، جامع الاحادیث، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه، ۱۳۸۷.
- ابن قدامه، عبدالرحمن ابن احمد، فقه مقارن، بیروت، دارالکتبه العربی، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد دوم، چاپ چهارم، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۵.
- الذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، جلد دهم، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹.
- تبریزیان، الحسون فارس، اماره الحج و بیت الموسوی، قم، انتشارات موسسه فرهنگی و اطلاع-رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
- جوادى آملی، عبدالله، جرعه‌ای از بیکران زمزم، چاپ دوم، تهران، انتشارات معشر، ۱۳۷۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد اول، هشتم و یازدهم، چاپ دهم، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۸۶.
- حضراوی، احمد بن محمد، مختصر حسن الصفا و الابتهاج فی ذکر من ولی اماره الحاج، قاهره، انتشارات القاهره، بی تا.
- حلی، ابن ادريس محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۰.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، جلد اول و نهم، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- خلیلی، جعفر، موسوعه العتبات قسم مکه، جلد دوم و چهارم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷.
- خویی، ابوالقاسم، موسوی خلخالی، محمدرضا، المعتمد فی شرح العروه الوثقی، تهران، انتشارات توحید، ۱۳۷۸.
- درگاهی، مهدی، عندلیبی، رضا، کتاب حج و ولایت فقیه، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۴.
- درگاهی، مهدی، افضلی اردکانی، ملک، عندلیبی، رضا، «تعليق و تعطیل حج از سوی حاکم اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، دوره نوزدهم، شماره سه، ۱۳۹۳.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، جلد اول الی چهارم، چاپ اول، قم، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
- شافعی خطیب، محمد بن احمد، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- صبحی، صالح، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه دارالهجره، ۱۴۱۴.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳.
- طباطبایی حکیم، محسن، قم، نشر مکتب آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی الفقه، جلد هفتم، چاپ سومف قم، قدس، ۱۳۸۷.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، جلد اول، ویراستار پرویز شیخ کریمی، چاپ هفتم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- کریمی واقف، رضا، دانشنامه حج و حرمین شرفین، جلد یازدهم، تهران، انتشارات مشعر، ۱۳۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، جلد اول و چهارم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات قدس، ۱۴۰۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، جلد دوم و چهارم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۰۹.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیه اسلام الاحیاء التراث، ۱۴۱۷.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، جلد یازدهم، چاپ دوم، قم، انتشارات دفتر تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶.